

مفهوم صاحبقران در نسخه ترکی قهرمان‌نامه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

ایران¹

Nabi AZEROĞLU²

Roghayeh AZIZPOUR³

چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم «صاحبقران» که در ادبیات ترک جایگاهی برجسته دارد، می‌پردازد. این پژوهش، با تمرکز بر نسخه ترک قهرمان‌نامه به شماره (۸۰۱۹) موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران را، از منظر تاریخی اسطوره‌ای و ادبی را بررسی می‌کند. این عنوان در سنت دولتمداری ترک مفهومی چند وجهی دارد، و با مفاهیمی چون رهبری قدرت و سرنوشت پیوند خورده است. ریشه‌های آن به باورهای پیش از اسلام ترکها درباره «قوت» (لطف الهی) باز می‌گردد. در نسخه ترک قهرمان‌نامه ایران موفقیت‌های خارق‌العاده قهرمان، موجب اعطای لقب «صاحبقران» از سوی هوشنگ‌شاه به او می‌شود. این عنوان نه تنها جایگاه رهبری قهرمان را تثبیت می‌کند بلکه نمادی از لطف الهی نیز به شمار می‌رود. افزون بر این، شخصیت‌هایی چون تمورث‌شاه و سام بن نریمان نیز به‌عنوان رهبرانی ظاهر می‌شوند که از طریق دستاوردهای حماسی خود، شایستگی دریافت لقب صاحبقران را یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: صاحبقران، ادبیات ترک، قهرمان‌نامه لر، ادبیات آذربایجان جنوبی، نسخه‌های خطی.

¹ Makale Geliş Tarihi/Received: 07.08.2025 / Makale Kabul Tarihi/Accepted: 22.12.2025

² Doç. Dr., Türk Halk Bilimi Bölümü, Edebiyat Fakültesi, Erciyes Üniversitesi, nabiazeroğlu@erciyes.edu.tr ORCID: <https://orcid.org/0000-0002-0660-6746>.

³ Dr., azizpourroghayeh@gmail.com, ORCID: <https://orcid.org/0000-0003-4640-8186>.

İran Meclis İslami Şurası Kütüphanesinde Bulunan Türkçe Kahramân-nâme'de Shipkırân Kavramı

ÖZ

Makalenin konusu, destan geleneğinde önemli bir yer tutan "sâhipkırân" kavramını, tarihsel, mitolojik ve edebi boyutlarıyla Kahraman-name örneği üzerinden incelemektedir. Arapça "sâhib" (sahip) ve "kırân" (yakınlık, üstünlük) kelimelerinden türeyen sahipkırân, "güçlü ve üstün hükümdar" anlamına gelmekte ve Türk devlet geleneğinde liderlik, güç ve kaderle ilişkili çok katmanlı bir unvan olarak kullanılmıştır. Kavram, İslamiyet öncesi Türk mitolojisindeki "kut" (ilahi lütuf) anlayışıyla bağlantılıdır. Çalışmanın temel odak noktası, Kahramân-nâme'nin İran nüshası (İran Meclis Kütüphanesi, No. 8019, 1826) olmuştur. Bu eserde sahipkırân kavramı; astrolojik sembolizm, otoritenin meşrulaştırılması ve kahramanlık arketipi olarak üç ana işleve ayrılmıştır. Bu eserde, Kahraman'ın olağanüstü hünerleri ve başarıları, Huşeng Şah tarafından Sâhipkırân lakabıyla ödüllendirilmesine yol açmıştır. Bu unvan, Kahramân'ın liderlik statüsünü pekiştirirken, aynı zamanda kozmik bir kader ve ilahi lütfü temsil etmektedir. Ayrıca, eserde Tahmurus Şah ve Sam ibn-i Neriman gibi figürler de kendi destansı başarılarıyla sahipkırân unvanı kazanmış liderler olarak öne çıkmaktadır.

Anahtar Kelimeler: *Sâhipkırân, Türk Edebiyatı, Kahramân-nâmeler, Güney Azerbaycan Edebiyatı, El yazma Eserler.*

The Concept of Sahipkiran in the Turkish Kahraman-Name Preserved in the Library of the Islamic Consultative Assembly of Iran

ABSTRACT

The subject of this article is the concept of sahipkiran, which occupies a significant place in the epic tradition, examined through the example of the Kahraman-Name in its historical, mythological, and literary dimensions. Derived from the Arabic words sahib (owner) and kiran (proximity, superiority), sahipkiran denotes a “powerful and supreme ruler” and functions as a multilayered title in the Turkish state tradition, associated with leadership, strength, and destiny. The concept is connected to the pre-Islamic Turkic notion of kut (divine grace).

The primary focus of this study is the Iranian manuscript of the Kahraman-Name (Iranian Parliament Library, No. 8019, 1826). In this work, the notion of sahipkiran is categorized into three principal functions: astrological symbolism, the legitimization of authority, and the heroic archetype. Within the narrative, Kahraman’s extraordinary skills and achievements lead to his being honored with the epithet “Sahipkiran” by King Hūshang. This title not only consolidates Kahraman’s status as a leader but also embodies cosmic destiny and divine favor. Furthermore, figures such as King Ṭahmūrās and Sām ibn Nerīmān also emerge in the text as leaders who attained the title of sahipkiran through their own epic accomplishments.

Keywords: *Sahipkiran, Turkish literature, Kahraman-Name, South Azerbaijan Literature, Manuscripts.*

مقدمه

مفهوم صاحبقران در ادبیات ترک، عنوانی چند منظوره است که حول محورهای رهبری، قدرت و سرنوشت شکل گرفته که از بستر تاریخی و در تخیل اسطوره‌ای جایگاهی برجسته دارد. این عنوان که به معنای «فرمانروای مقتدر و عالی مرتبه» است، در سنت دولتداری ترک برای تقویت مشروعیت سلطه سیاسی به کار رفته است. پیوند این مفهوم با «قوت» (لطف الهی) در اساطیر ترک پیش از اسلامی ترکها⁴ بنیادهای متافیزیکی آن را شکل می دهد؛ در حالیکه در سنت ترک-اسلامی پس از اسلام، صاحبقران در چارچوبی آسمانی و سرنوشت محور به نمادی از حاکمیت الهی مشروع تبدیل می شود.

این عنوان به وضوح در حماسه اوغوز خان قهرمان حماسی ترک که مأموریتی جهانی دارند، قابل مشاهده است. در حماسه اوغوز خان به چهار سوی جهان لشکرکشی می کند و نظم جهانی برقرار می سازد، یکی از نخستین تجلیات صفت صاحبقران تلقی می شود.⁵ این تصویر از انتظام جهانی که در متون حماسی تحت عنوان اعتلای کلمه الله شکل گرفته، در دوره عثمانی از طریق ادبیات دیوان به ابزاری برای ستایش سلاطین عثمانی تبدیل شد. لقب صاحبقران که در قصیده‌های نفعی به سلطان مراد چهارم نسبت داده شده، نمونه‌ای است که اقتدار و مشروعیت آسمانی

1. Bahaeddin Ögel, *Türk Mitolojisi* (Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları, 2016), 67.

2. Ergin, Muharrem, *Oğuz Kağan Destanı* (İstanbul: Boğaziçi Yayınları, 201), 44.

حاکم را توأمان تقویت می‌کند. چنین صفاتی در گفتمان ادبی کلاسیک، به عنوان ابزارهای بلاغی برای ایدئال‌سازی چهره حاکم عمل می‌کنند. در ادبیات ترک معاصر نیز، مفهوم صاحبقران، پیوندی روایی با شخصیت‌های تاریخی و مفاهیم تداوم و تحول فرهنگی را زنده نگه می‌دارد.

هدف این مقاله، بررسی ریشه‌های مفهوم صاحبقران در ادبیات ترک و سنت های حماسی، دلایل اعطای این عنوان به سلاطین عثمانی، و بازتاب‌های آن در ادبیات ترک مدرن است. این تحلیل از طریق رویکردی جامع و با تمرکز بر نسخه ترک ایرانی قهرمان‌نامه صورت می‌گیرد تا این مفهوم هم در بستر تاریخی و هم از طریق بازنمایی‌های ادبی واکاوی قرار گیرد.

1. صاحبقران در ادبیات ترک

ترکیب «صاحبقران» که از واژه‌های عربی «صاحب» و «قران» (به معنای نزدیکی و تقارن) تشکیل شده، در زبان ترک به صورت «صاحبقران» درآمده است (دائرةالمعارف اسلامی).⁶ این عنوان در متون تاریخی و ادبی ترک کاربردی گسترده دارد و ریشه در مفهوم «قوت» دارد؛ مفهومی که در دولت‌های ترک پیش از اسلام، مبنای مشروعیت سیاسی و الهی حاکمان تلقی می‌شد. و این ترکیب، علیرغم این، شاید از

³<https://islamansiklopedisi.org.tr/sahipkiran> (12.12.2025) İslam Ansiklopedyası, sahipkiran maddesi⁶

فارسی گرفته شده باشد، و در داستان امیرحمزه صاحبقران که یکی از قصه‌های معروف عامیانه است که روایت‌های مختلفی از آن وجود دارد، به وضوح مشهود است.⁷

در سنت ترک-اسلامی پس از اسلام، این عنوان باز تعریف شده و در دوره عثمانی، به نمادی ایدئولوژیک برای تقویت مشروعیت سلاطین تبدیل گردید.⁸ مفهوم صاحبقران با باور خاقان‌ها در سنت دولت‌مداری تورک‌های باستان مبنی بر دریافت «قوت» از آسمان برای حکمرانی مرتبط است. این باور در دوره‌های اسلامی، از طریق عنوان صاحبقران، به تصویری روشن‌تر از رهبری مشروع و الهی تبدیل شد.

اعلام تیمور به عنوان صاحبقران، این مفهوم را با فتح و سلطه هم‌معنا ساخت و آن را به نمادی سیاسی بدل کرد. در امپراتوری عثمانی نیز، با فتح استانبول توسط سلطان محمد فاتح و کسب خلافت توسط سلطان سلیم اول، زمینه‌ساز استفاده از لقب صاحبقران به عنوان ابزاری برای ادعای رهبری جهانی شد. در همین دوره، مفهوم صاحبقران ابعاد دیگری نیز یافت. باور بر این بود که هم‌راستایی سیارات، معروف به «ستاره صاحبقران»، در تولد و سرنوشت حاکمان بزرگ تأثیرگذار است. به‌ویژه، تولد سلاطینی مانند سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان قانونی با نشانه‌های آسمانی پیوند داده شد و از این طریق مشروعیت الهی آنان تقویت گردید..

در ادبیات دیوانی، صاحبقران نه تنها یک لقب تاریخی بلکه بخشی از تصویر آرمانی حاکمان بود. شاعران با بهره‌گیری از این مفهوم، سلاطین را با شکوه حضرت

⁷Moustafa, Albakour, *Fi'l-emsâl ve'l-hikem eş-şa'biyye el-fârisiyye dirâsât ve muhtârât*" (ankaraa: sonçağ akademi, 2025), 42.

⁸4 Bahaeddin Ögel. *Türk Mitolojisi*, (Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları, (2016), 67.

سلیمان برابر می‌دانستند و آنان را ستایش می‌کردند. به‌ویژه در قصیده‌های شاعر شهیر عثمانی "باقی" برای سلطان سلیمان قانونی، واژه صاحبقران با دقت برای تأکید بر سلطه جهانی و نظم جهانی حاکم به کار رفته است.⁹ به همین ترتیب، در اشعار نفی برای سلطان مراد چهارم، لقب صاحبقران به عنوان نمادی از فتح، نظم و اقتدار جلوه‌گر شده است.

در حماسه‌های ترک، عنوان «صاحبقران» نه تنها به حاکمان تاریخی بلکه به قهرمانانی با ویژگی‌های اسطوره‌ای و دینی اطلاق می‌شود. این شخصیت‌ها رهبرانی با قدرت‌های خارق‌العاده‌اند که با نشانه‌های فوق‌العاده مشخص شده و مأموریتی جهانی دارند.

اوغوز خان، از نخستین قهرمانان حماسی تورک، واجد صفت صاحبقران است. تولد او با نوری آسمانی، قدرت‌های فوق‌طبیعی بوده است که در آرمان اعتلای کلمه الله همراه بوده و او را به نماد یک حاکم جهانی بدل کرده است. نام‌گذاری فرزندانش با نمادهای کیهانی چون خورشید، ماه و ستاره، ادعای اقتدار آسمانی و رهبری جهانی او را تقویت می‌کند.¹⁰ سوگنامه‌های مربوط به مرگ آلپ ار تونقا نیز وابستگی فرهنگی تورک‌ها به رهبران بزرگ و تقدسی که به صاحبقران‌ها نسبت داده می‌شود را آشکار می‌سازد.

⁹ Mehmet İsen, *Divan Edebiyatında Övgü ve Yergi*, (Ankara: Akçağ Yayınları, (2013), 38.

¹⁰ Ergin, Muharrem. *Oğuz Kağan Destanı*, (İstanbul: Boğaziçi Yayınları, (2018), 52.

در حماسه ساطوق بوقرا خان، وی با دیدار حضرت محمد و گرفتن مأموریت جهاد، به قهرمانی اسلامی با مأموریتی مقدس تبدیل می شود.¹¹ بطل غازی و دانشمند غازی نیز به عنوان رهبران نظامی و معنوی در روند اسلامی سازی آناتولی نقش ایفا کرده‌اند و با توانایی‌های جنگی خارق‌العاده، معجزات و قهرمانی‌هایشان، در چارچوب دینی و حماسی به مقام صاحبقران ارتقا یافته‌اند.¹² در حوزه ایران نیز، شکاری چنین نقشی را ایفا کرده است.¹³

در داستانه‌های حماسی ترک قهرمانان معمولاً از بدو تولد واجد ویژگی‌های فوق العاده هستند. تولد آنان با نور آسمانی، رؤیاهای معنادار یا پیشگویی‌هایی همراه است که سرنوشت فوق العاده آنها را رقم می‌زند.¹⁴ این شخصیت‌ها بعضاً در سنین پایین با دیوان می‌جنگند (قهرمان) یا در شکار موفقیت‌های شگفت‌انگیز کسب می‌کنند یا ارتش‌های بزرگ را شکست می‌دهند. ارتباط آنان با جهان، رهبری‌شان را نه تنها برای یک قوم بلکه برای ایجاد نظامی جهانی تعریف می‌کند. به عبارتی جهانشمول هستند.

محمد زعیم، مورخ قرن شانزدهم، یاووز سلطان سلیم را صاحبقران می‌نامد، و سه معیار برای این عنوان ذکر می‌کند: نخست، کسانی که تا ده نسل با حق وراثت به سلطنت رسیده‌اند؛ و دوم، جهان‌گشایانی که با قدرت خود جهان را فتح کرده‌اند (مانند اسکندر)؛ و سوم، کسانی که همواره در جنگ‌ها پیروز بوده‌اند. در ادبیات

¹¹ Aça, Mustafa. "İslami Türk Destanları, (İstanbul: Ötüken Yayınları, (2020), 46.

¹² Köprülü, Mehmet Fuat. Türk Edebiyatında İlk Mutasavvıflar. İstanbul: Alfa Yayınları, (2019), 118.

¹³ Azeroğlu, Nabi. İran Azerbaycanı Âşık Destanları I Şikari Destanı, TDK Yayınları. (2013), 132.

¹⁴ Ögel, Bahaatin. Türk mitolojisi. Türk Tarih Kurumu Yayınları (2016), 84.

عثمانی متأخر، لقب صاحبقران گاه فراتر از معنای اصلی خود، برای سلاطین و حتی برخی پاشاها نیز به کار رفته است.¹⁵

صفویان با بهره‌گیری از میراث دینی و اسطوره‌ای خود، مفهوم صاحبقران را در زمینه‌ای عرفانی نیز به کار بردند.¹⁶ شاه اسماعیل، که در ۱۴ سالگی به سلطنت رسید و با نابودی دولت آق قویونلو، سلسله صفوی را بنیان نهاد، در منبع عالم‌آرای صفوی به عنوان «قطب صاحبقران» معرفی شده است. این عنوان نه تنها ادعای رهبری سیاسی بلکه معنوی را نیز در بر دارد و با مأموریت آسمانی و پیوندهای عرفانی ایدئولوژی صفوی ترکیب شده است.¹⁷

نادر شاه، بنیان‌گذار سلسله افشار، نیز از این عنوان به عنوان نماد قدرت خود بهره برد. او با احیای میراث صفوی، در لشکرکشی ۱۷۳۹ به هند، دهلی را غارت کرد و در جنگها پیروز میدان شد. بدین دلیل در تاریخ جهان‌گشای نادری، او به عنوان «صاحبقران ایران» معرفی شده که نشان‌دهنده رستاخیز سیاسی او در جغرافیای ایران است. این کاربرد نشان می‌دهد که لقب صاحبقران نه تنها با فتوحات نظامی بلکه با تأسیس امپراتوری نیز مرتبط است.

¹⁵ “sahipkiran”, “Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi”, erişim: 12 Aralık 2025, <https://islamansiklopedisi.org.tr/sahipkiran>.

¹⁶ Moustafa Albakour, “ arap ve fars halk edebiyatlarında (hamzâtul'arab) ve (hamzanâme) anlatısı”, kadim Hikmet Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi - Sayı: 7 - Yıl: 2022 – Kasım, 43-55.

¹⁷ تاریخ عالم‌آرای صفوی¹⁷, İntişârât-ı Bünyâd-ı Ferheng-i İrân ; 110. be-Tâbii târih u coğrâfyâ-yı İrân..232.

در امپراطوری تورکان قاجار نیز، فتحعلی شاه از جمله شخصیت‌هایی است که با لقب صاحبقران معرفی شده است. اگرچه موفقیت‌های نظامی او محدود بود، اما مقاومتش در برابر روس‌ها و رهبری‌اش که با نمادهای دینی آراسته شده بود، با این عنوان پیوند یافت. فتحعلی شاه با پذیرش لقب «ظل‌الله» (سایه خدا)، در اسناد رسمی به عنوان «صاحبقران ایران» ثبت شد و بدین ترتیب ادعای رهبری خود را در سطح الهی و سیاسی بازتعریف کرد.

2. کارکرد لقب «صاحبقران» در نسخه ایرانی قهرمان‌نامه (۱۸۲۶)

نسخه ترک قهرمان‌نامه مورخ ۱۸۲۶، نگهداری شده در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران (شماره نسخه: ۸۰۱۹)¹⁸ نشان می‌دهد که لقب «صاحبقران» در چهار موضع کلیدی این اثر به کار رفته و واجد سه کارکرد اصلی است: نمادگرایی نجومی، مشروعیت بخشی الهی، و قهرمان اسطوره‌ای و پیوند با سنت حماسی الگوسازی کهن قهرمانان.¹⁹

1. 2- نمادگرایی نجومی و سرنوشت آسمانی

در این نسخه، قهرمان با سرنوشتی آسمانی و نظم سیاره‌ای پیوند داده می‌شود. «تمثیل‌های سیاره‌ای» و «نمادگرایی سرنوشت» در روایت، جایگاه حماسی قهرمان را

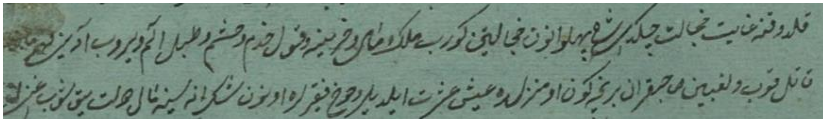
¹⁸ Azizpour, Roghaiyeh. "Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme" Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. (2025). 43.

¹⁹ Mahecûb, Muhammed Cafer. "Edebiyât-ı 'Âmiyâne-i Îrân", Mecmû'a-i Makâlât be Kôşeş Hasen Zülfikârî. (Tahran: Neşr-i Çeşme, 1382 hş). 130-131.

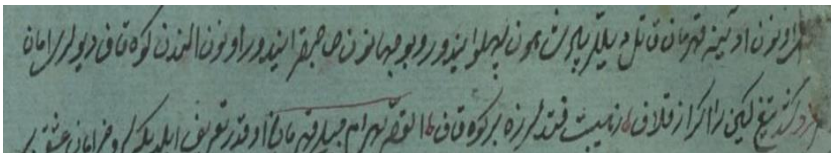
تقویت کرده، و او را در مدار قدرتی آسمانی قرار می‌دهد. این نوع نمادپردازی، یادآور کاربرد لقب صاحبقران در دوره عثمانی برای سلاطینی چون سلیمان قانونی است که تولدشان با نشانه‌های نجومی همراه بود.

2.2. مشروعیت بخشی الهی به اقتدار

لقب صاحبقران در قهرمان‌نامه، مشروعیت الهی قهرمان را تثبیت می‌کند. در بخش ۶ الف [۲-۳]²⁰ هوشنگ شاه پس از مشاهده شجاعت قهرمان، به او املاک، ثروت، گنجینه، خدمتکاران و لقب صاحبقران اعطا می‌کند:



۶ الف [۲] قیلدوقینه غایت خجالت چکدی شاه پهلوانون خجالتین گورپ ملک مال و خزینه و قول خدم و حشم و طبل علم و وئریپ آدینی قهرمانه ۶ الف [۳] قاتل قویوپ و لقبین صاحبقران. بیر نئجه گون او منزلده عیش و عشرت ایلدیلر و چوخ فقیرلره اونون شکر آنسینه مال دولت یئتوشوپ غنی.». این بخش نشان می‌دهد که لقب صاحبقران نه تنها پاداشی برای دلاوری بلکه نشانه‌ای از تأیید الهی و انتقال مشروعیت سلطنتی است.



²⁰ Azizpour, Roghaiyeh. "Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme" Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. (2025). 231.

3. 2. قهرمان اسطوره ای و پیوند آن با سنت حماسی

لقب صاحبقران، قهرمان این اثر را در امتداد قهرمانان اسطوره‌ای و دینی چون دده قورقود، دانشمند غازی و بطال غازی قرار می‌دهد. ویژگی‌هایی چون شجاعت، عدالت، و توانایی رهبری در او برجسته می‌شود. در بخش ۹۹ الف [۱۶-۲۰]،²¹ صحنه‌ای که قهرمان به‌تنهایی در قلعه را نگه می‌دارد تا سربازان عبور کنند، نمادی از قدرت جسمانی و اقتدار رهبری اوست. پهلوانان او را با عباراتی چون «ای صاحبقران و ای یگانه دوران» خطاب می‌کنند که تأییدی بر شایستگی او برای این لقب است.

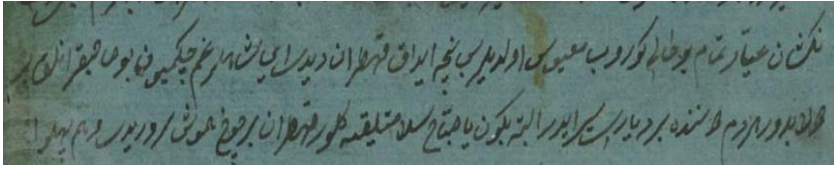
3. 3. اعطای لقب صاحبقران در نسخه ایرانی قهرمان‌نامه

در نسخه ایرانی قهرمان‌نامه، اعطای لقب «صاحبقران» به قهرمان، نتیجه‌ی مهارت‌های خارق‌العاده و پیروزی‌های چشمگیر او در برابر دشمنان است. هوشنگ شاه، که در متن به‌عنوان حاکمی مقتدر و مشروع معرفی شده، پس از مشاهده‌ی دلآوری‌های قهرمان، او را به لقب «قاتل» نیز می‌رساند؛ لقبی که به توانایی قهرمان در نابودی دشمنان اشاره دارد.

... و اونون آدینه قهرمان قاتل دیبلر پادشاهون پهلوانیدور و بو جهانون

صاحبقرانیدور اونون ایلیندن کوه-ی قاف دیو لری امان 17ب [7] بولمادی. فرد:

²¹ Azizpour, Roghaiyeh. "Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme" Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. (2025). 581.



کشد تیغ کین اگر از غلاف، ز هیبت فتد لرزه بر کوه قاف. القصه بهرامی جبلی
قهرمانی او قدر تعریف ایلدیکی سرو خرامان عشق برکن...

در بخش ۱۷ اب [۴-۵] قهرمان نامه نسخه ترک ایران (متن فوق)، هوشنگ شاه لقب صاحبقران را به قهرمان اعطا می‌کند. این انتصاب از سوی مردم و بزرگان نیز به رسمیت شناخته می‌شود، چنان‌که در بخش ۹۹ الف [۱۸-۱۹]، دیگر شخصیت‌ها نیز قهرمان را با عنوان صاحبقران خطاب می‌کنند. این پذیرش عمومی، مشروعیت اجتماعی و سیاسی قهرمان را تثبیت می‌کند. در روایت قهرمان نامه هوشنگ شاه، از جایگاه و اقتداری برخوردار است که او را واجد صلاحیت برای اعطای چنین لقبی می‌سازد. در واقع، این اقدام نه تنها جایگاه قهرمان را ارتقا می‌دهد، بلکه موقعیت خود هوشنگ شاه را نیز به‌عنوان صاحبقران تقویت می‌کند؛ چرا که در منطق حماسی متن، تنها صاحبقرانی دیگر می‌تواند جانشین یا صاحب قران آینده را منصوب کند. این چرخه‌ی مشروعیت، پیوندی میان قدرت الهی، اقتدار زمینی برقرار می‌سازد.

3]155 [... گردن کشان-ی عیار تمام بو حالی گوروب مایوس اولدیلر بس

نجه ایداق قهطران دیدی ای شاهم غم چکمیون بو صاحبقرانلق بیر [4]156 دولابدر

هردم دوننده بیر دیاری سیر ایدر البتّه بو گون یا صباح سلامتلیقیله گلور قهطران بیر چوق ...

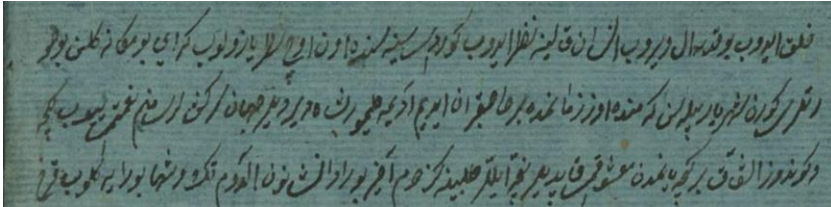
4. تجلی قدرت جسمانی و کاریزمای رهبری در اثر قهرمان‌نامه

در بخش ۱۷ ب [۴-۵]، شکست هیولای وحشی به دست قهرمان و تبعیت او از هوشنگ شاه، نه تنها نشان‌دهنده توانایی‌های جسمانی خارق‌العاده‌ی قهرمان است، بلکه بیانگر شخصیت رهبری و مشروعیت سیاسی او نیز هست. اعطای لقب «صاحبقران» در این بخش، نقطه‌ی عطفی در تثبیت جایگاه قهرمان به‌عنوان جانشین مشروع قدرت سلطنتی محسوب می‌شود. همچنین، درخواست امان از سوی غول‌های کوه قاف و پذیرش فرمانروایی قهرمان از سوی آنان، نمادی از اقتدار جهانی و فرااقلمی اوست؛ اقتداری که از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به سطح اسطوره‌ای ارتقا یافته است.

در بخش ۲۸ الف [۱۹-۲۰]،²² روایت از سلطه‌ی قهرمان بر «ربع مسکون» از طریق قدرت شمشیر، فتح کوه قاف، و نابودی دیو اکوان، تصویری تمام‌عیار از قهرمانی ارائه می‌دهد که نه تنها در میدان نبرد پیروز است، بلکه در سطح کیهانی نیز نظم را برقرار می‌سازد. این دستاوردها، از منظر حماسی، دلایل اصلی شایستگی او برای دریافت عنوان صاحبقران را تشکیل می‌دهند. در منطق روایت، صاحبقران کسی است که نه تنها بر انسان‌ها، بلکه بر موجودات اسطوره‌ای و قلمروهای افسانه‌ای نیز

²² Azizpour, Roghaiyeh. "Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme" Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. (2025). 231.

سلطه دارد. بنابراین، قهرمان به‌عنوان بزرگ‌ترین حاکم دوران، نماد وحدت قدرت زمینی و آسمانی تلقی می‌شود.

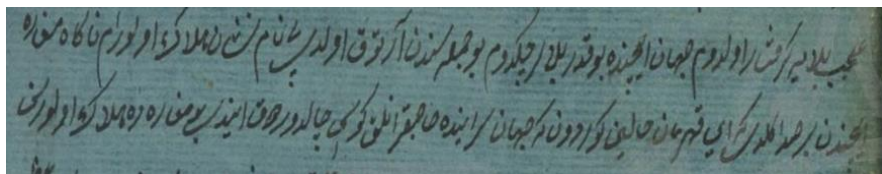


157[1] خلق ادیوب بو قدر ایل وریب انسان قالینه نظر ادیوب گوردی کی سینه سینده اون اوچ سطر یازولوب کی ای بو مکانه گلن بو 157[2] صورتلری گورن شهریار بیلسن کی من ده اوز زمانیمده بیر صاحبقران ایدیم آدیبه طهمورث شاه دیلرلر جهان سرکشلری

5. تمهورث شاه به‌عنوان صاحبقران در قهرمان‌نامه ترک نسخه ایران

در بخش ۵۷ الف [۱-۷]، روایت اول شخص تمهورث شاه، تصویری از قهرمان ارائه می‌دهد، که شایستگی دریافت عنوان «صاحبقران» را از طریق کنش‌های حماسی و رهبری مقتدرانه به‌دست آورده است. نبرد او با چهل هزار دیو طی هفتاد روز، شکست دیو اژدهای سردیو، و نجات معشوقه‌اش، همگی نشان‌دهنده‌ی شجاعت، استقامت، و نفوذ شخصیتی او هستند؛ ویژگی‌هایی که در منطق حماسی، لازمه‌ی مشروعیت سیاسی و اسطوره‌ای‌اند.

در نسخه ایرانی قهرمان‌نامه، تمهورث شاه نه‌تنها این جایگاه مهم را به‌دست می‌آورد، بلکه آن را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. در بخش ۵۷ الف [۱-۲]، او با نگارش کتیبه‌ای، عنوان صاحبقران را به‌عنوان میراثی مشروع و تاریخی ثبت و به



قهرمان انتقال می دهد. این اقدام، نه تنها بیانگر شناخته شدن او به عنوان بزرگ‌ترین رهبر دوران خود، بلکه نشان می‌دهد که موفقیت‌های حماسی، مبنای اصلی مشروعیت و انتقال قدرت نیز می‌باشد. در این چارچوب، صاحبقران بودن صرفاً یک عنوان نیست، بلکه نمادی از پیوند میان قدرت زمینی، نظم کیهانی، و حافظه‌ی تاریخی است؛ جایگاهی که از طریق کنش‌های قهرمانانه، تثبیت و به آیندگان منتقل می‌شود.

55ب[6] ... عجیب بلایه گرفتار اولدوم جهان ایچنده بو قدر بلالر

چکدوم بو جمله سیندن ارتوق اولدی بی نام و نشان هلاک اولورم ناگاه مغاره

55ب[7] ایچندن بیر صدا گلدی کی ای قهرمان حالین گوردون کی جهان سراینده

صاحبقرانلق کوسی چالدردوق اندی

در بخش ۶۰ الف [۲۰-۲۱]،²³ روایت از سام بن نریمان، تصویری از

قهرمانی ارائه می‌دهد که از طریق آمادگی برای هفتاد و سه نبرد و شکست دیوان و

دشمنان هولناک، شایستگی لقب «صاحبقران زمان» را به دست می‌آورد. این لقب،

نه تنها بازتابی از شجاعت و توان رزمی سام است، بلکه نشان‌دهنده‌ی جایگاه او

به‌عنوان رهبر دوران و نماد نظم و اقتدار در جهان حماسی است.

²³ Azizpour, Roghaiyeh. "Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme" Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. (2025), 245.

در پایان این بخش، تعظیم اطرافیان در برابر سام (۶۰ الف) [۲۱] (به‌عنوان نشانه‌ای از پذیرش اجتماعی و مشروعیت عمومی لقب صاحبقران، اهمیت ویژه‌ای دارد. برخلاف انتصاب رسمی توسط شاه یا قدرت مرکزی، در اینجا جامعه‌ی پیرامونی، با مشاهده‌ی کنش‌های قهرمانانه، خود به اعطای این عنوان مبادرت می‌ورزد. این نوع مشروعیت، از دل تجربه‌ی جمعی و حافظه‌ی فرهنگی برمی‌خیزد و نشان می‌دهد که لقب صاحبقران می‌تواند از مسیر کنش‌های فردی و تأیید اجتماعی نیز تثبیت شود. در این روایت، سام بن نریمان به‌عنوان «صاحبقران دوران» نه تنها تجسم قدرت نظامی، بلکه نماد رهبری پذیرفته‌شده از سوی جامعه است؛ جایگاهی که از طریق کنش، پیروزی، و احترام عمومی به‌دست آمده و در حافظه‌ی حماسی تثبیت شده است.

نتیجه‌گیری

عنوان «صاحبقران» در فرهنگ‌های ترک و ایرانی، صرفاً یک صفت تاریخی نیست، بلکه نمادی چندوجهی از رهبری است که در پیوندی عمیق با بنیان‌های اسطوره‌ای، نجومی و ایدئولوژیک شکل گرفته است. همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شد، این عنوان از مفهوم پیش‌اسلامی قوت سرچشمه گرفته و در سنت ترک-اسلامی پس از اسلام، به‌عنوان نشانه‌ای از سلطه‌ی جهانی و مشروعیت آسمانی بازتعریف شده است.

زنجیره‌ی نمایندگی از قهرمانان اسطوره‌ای مانند اوغوز خان و آلپ ار تونگا تا شخصیت‌های تاریخی چون سلطان محمد فاتح، سلطان سلیم یاووز و شاه اسماعیل،

نشان می‌دهد که لقب صاحبقران نه تنها قدرت نظامی و سیاسی رهبر را بازتاب می‌دهد، بلکه انتخاب‌شدگی سرنوشت‌ساز او را نیز برجسته می‌سازد. در نمونه‌های تاریخی، صاحبقران بودن با فتوحات، نشانه‌های نجومی، ادعاهای دینی و رقابت‌های سیاسی درآمیخته و بدین ترتیب، بار معنایی چندلایه‌ای را هم در متون و هم در ذهنیت فرهنگی حمل کرده است.

در نسخه‌ی ایرانی قهرمان‌نامه، عنوان صاحبقران در چهار بخش به کار رفته و به شخصیت‌هایی چون قهرمان قاتل، هوشنگ شاه، تممورث شاه و سام بن نریمان نسبت داده شده است. در این میان، قهرمان قاتل به‌عنوان شخصیت محوری روایت، بیش از دیگران با این عنوان پیوند دارد؛ لقبی که به‌صورت رسمی توسط هوشنگ شاه به او اعطا شده است. سایر شخصیت‌ها نیز از طریق کنش‌های حماسی و پیروزی‌های خارق‌العاده، این جایگاه را کسب کرده و به‌عنوان رهبران دوران خود پذیرفته شده‌اند.

در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که عنوان صاحبقران در سنت ترک-ایرانی، نه تنها بازتابی از قدرت و مشروعیت سیاسی است، بلکه به‌عنوان یک کهن‌الگوی پایدار رهبری، نقشی میان‌فرهنگی در گفتمان ادبی و سیاسی ایفا می‌کند. این مفهوم، همچنان در حافظه‌ی فرهنگی منطقه زنده است و به‌عنوان پلی میان اسطوره، تاریخ و ایدئولوژی، به بازتولید معنا در متون و ذهنیت جمعی ادامه می‌دهد.

این مطالعه نشان می‌دهد که عنوان «صاحبقران» در فرهنگ ترک صرفاً یک لقب تاریخی نیست، بلکه نمادی چند بعدی است که با بنیادهای اسطوره‌ای، و ایدئولوژیک در هم تنیده شده است.

Kaynakça

- Aça, Mustafa, “İslami Türk Destanları” İstanbul: Ötüken Yayınları, 2020.
- Albakour, Moustafa, arap ve fars halk edebiyatlarında (hamzâtu'l-arab) ve (hamzanâme) anlatısı, kadim Hikmet Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi - Sayı: 7 - Yıl: 2022 – Kasım, 43-55.
- Albakour, Moustafa, fi'l-emsâl ve'l-hikem eş-şa'biyye el-fârisiyye dirâsât ve muhtârât. ankaraa: sonçağ akademi, 2025.
- Azeroğlu, Nabi, “İran Azerbaycanı Âşık Destanları I Şikari Destanı”, TDK Yayınları, 2013.
- Azizpour, Roghaiyeh, “Kahramân-Nâme'nin İran Meclis Kütüphanesi Nüshası Üzerine Bir İnceleme” Ömer halis Demir Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayınlanmamış Doktora tez. 2025.
- Ergin, Muharrem, “Oğuz Kağan Destanı”, İstanbul: Boğaziçi Yayınları, 2018.
- İsen, Mehmet. “Divan Edebiyatında Övgü ve Yergi”. Ankara: Akçağ Yayınları, 2013.
- İslam Ansiklopedyası, sahipkiran maddesi.
<https://islamansiklopedisi.org.tr/sahipkiran> (12.12.2025)
- Köprülü, Mehmet Fuat. “Türk Edebiyatında İlk Mutasavvıflar”. İstanbul: Alfa Yayınları, 2019.
- Mahcûb, Muhammed Cafer. “Edebiyât-ı ‘Âmiyâne-i Îrân, Mecnû'a-i”. Makâlât be Kôşeş Hasen Zülfikârî. Tahran: Neşr-i Çeşme, 1382 hş.
- Ögel, Bahaeddin. “Türk Mitolojisi”. Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları, 2016.
- تاریخ عالم آرای صفوی، İntişârât-ı Bünyâd-ı Ferheng-i Îrân ;
110. be-Tâbii târîh u coğrâfyâ-yı Îrân.